

حکایت دوست

سیره علمی و عملی

آیت الله آقا سید خلیل محمدی بادابرسر «رحمت الله علیه»

(۱۲۸۶-۱۳۶۶ ه.ش)

به ضمیمه تاریخچه اعدای بادابرسر و امامزاده عبدالله «علیه السلام»

محبی الذین قربانی کوائی

شابک	: 978-622-02-0293-6
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۸۲۰۳۸
عنوان و نام پدیدآور	: حکایت دوست : سیره علمی و عملی آقا سیدخلیل محمدی بادابرسری رحمت‌الله علیه... به ضمیمه تاریخچه سادات بادابسر و امامزاده عبدالله علیه‌السلام / محیی‌الدین قربانی کوائی.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: محمدی بادابرسری، سیدخلیل، ۱۳۶۶-۱۲۸۶.
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- بادابسر -- سرگذشتنامه
موضوع	: 'Ulama -- Iran -- Badabsar -- Biography'
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- هزارجریب، منطقه -- سرگذشتنامه
موضوع	: 'Ulama -- Iran -- Hezar Jarib Region -- Biography'
موضوع	: امامزاده عبدالله (نکا یا بادابسر)
موضوع	: Emamzadeh Abdollah (Iran)
رده بندی دیویی	: ۲۹۷.۹
رده بندی کنگره	: BP ۱۳۹۷:۴ ق ۳/م
سرشناسه	: بانی، ابی، محم‌الدین، ۱۳۵۳ -
وضعیت فهرست نویسی	: ف

حکایت دوست

تالیف: محیی‌الدین قربانی کوائی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

شماره شابک: ۶-۰۲۹۳-۰۲-۶۲۲-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی- ۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

تماس با نویسنده: ۰۹۱۱۳۵۶۷۴۰۸

فهرست

مقدمه	۱۷
فصل اول	
الف: هزار جریب	۲۶
نکته اول	۲۶
نکته دوم	۲۶
نکته سوم	۲۶
نکته چهارم	۲۷
ب: دودانگه و چهار دانه	۲۷
ج: سادات	۲۸
د: سادات در مازندران و هزار جریب	۲۹
حسن بن زید	۳۱
احمد بن محمد	۳۱
محمد بن زید	۳۱
ابو محمد حسن بن علی العسگری	۳۲
ابو محمد حسن بن قاسم	۳۲
ابوالحسن احمد بن حسن	۳۲
ابوالقاسم جعفر بن حسن	۳۳
ابوعلی محمد بن احمد	۳۳
ابوجعفر محمد بن احمد	۳۳
ابوالفضل جعفر بن ابی عبدالله حسین	۳۳
ابوعبدالله محمد بن حسین	۳۴
ابوالحسن احمد بن حسین	۳۴
ابوطالب یحیی بن حسین	۳۵
ابوالقاسم زید بن ابن طالب الحسن	۳۵
بادابسر	۳۶
الف: جغرافیای بادابسر	۳۶
ب: وضعیتی طبیعی	۳۷
نکته اول	۳۷
نکته دوم	۳۷
ج: زارم رود	۳۸
سادات بادابسر	۳۹

۳۹	نکته اول
۴۰	نکته دوم
۴۰	نکته سوم
۴۰	نکته چهارم
۴۱	نکته پنجم
۴۱	نکته ششم
۴۱	نکته هفتم
۴۲	سید مرتضی اعظم (رحمت الله علیه)
۴۳	سید جعفر حسینی کبیر (رحمت الله علیه)
۴۳	زندگینامه ..
۴۶	متن نامه سید جعفر حسینیه به پادشاه وقت
۴۸	پاسخ نامه
۴۸	بژوهش در شجره نامه سادات بادابسر
۵۳	پاسخ مرحوم آیت الله مرعشی نجفی
۵۳	شجره نامه سادات حیدر آباد
۵۳	سند شجره نامه سادات برما
۵۴	هزار جریب در عصر آیت الله بادابسری
۵۴	علمای نجف رفته بادابسر
۵۵	منابع

فصل دوم

۵۸	امامزاده عبدالله (علیه السلام)
۵۹	الف: زیارتگاه امامزاده عبدالله
۶۰	زیارت نامه امامزاده
۶۰	صندوق امامزاده
۶۳	بخش سوم
۶۳	اسناد امامزاده
۶۳	الف: سند حدود امامزاده
۶۴	توضیحات حواشی سند
۶۵	تولیت امامزاده
۶۵	ج: نامه استفتاء از مرحوم آقا شیخ مهدی برفامی درباره امامزاده
۶۶	جوابیه مرحوم آیت الله آقا شیخ مهدی برفامی
۶۶	د: زمین وقفی لندی ها

۶۸	هــقبرستان حريم امامزاده عبدالله
۶۸	ی:مدفونين در مزار امامزاده عبدالله

فصل سوّم

۷۲	تحقيق در احوال و زندگى
۷۲	بخش اوّل
۷۲	زندگى و حيات معنوى
۷۲	زندگينامه
۷۵	بخش دوّم
۷۵	زندگينامه خود نوشت
۷۶	ولادت
۷۶	درگذشت مادر
۷۶	زندگى بعد از درگذشت مادر
۷۷	ورود به درس مقدمات
۷۷	ورود به درس مرحوم آيت الله برفاى
۷۸	انتخاب همسر
۷۸	ادامه تحصيل در مدارس مازندران و گرگان
۷۸	متّحد الشّكل شدن لباس
۷۹	حضور در درس آيت الله كوهستانى
۸۱	بخش دوم
۸۱	عزيمت به نجف اشرف
۸۱	سخنى در مقام استاد
۸۱	عزيمت به نجف اشرف
۸۲	ورود به كربلا
۸۲	ورود به نجف اشرف
۸۳	پاسخ آيت الله بروجردى
۸۳	ادامه تحصيل در نجف اشرف
۸۳	عزم ديار
۸۴	دريافت اجازات اجتهاد
۸۴	ورود به مازندران
۸۴	بازگشت از مازندران
۸۵	انتخاب همسر
۸۵	ادامه تحصيل در نجف

۸۵	تربیت شاگرد
۸۶	عزیمت به زادگاه
۸۶	آثار سید
۸۷	بخش سوم
۸۷	مکارم الاخلاق
۸۷	حیات معنوی و فضیلت شخصیت سید
۸۷	نکته اول
۸۷	نکته دوم
۸۸	نکته سوم
۸۸	نکته چهارم
۸۹	نکته پنجم
۸۹	نکته ششم
۹۰	نکته هفتم
۹۰	نکته هشتم
۹۱	نکته نهم
۹۱	نکته دهم
۹۱	نکته یازدهم
۹۲	نکته دوازدهم
۹۲	نکته سیزدهم
۹۲	نکته چهاردهم
۹۳	نکته پانزدهم
۹۴	نکته شانزدهم
۹۴	نکته هفدهم
۹۵	نکته هجدهم
۹۵	نکته نوزدهم
۹۵	گفتار شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد درباره آیت الله سید خلیل محمدی
۹۶	نکته بیستم نامه آقا سید محمد مهدی موسوی بجنوردی
۹۷	نکته بیست و یکم
۹۷	نکته بیست و دوم
۹۸	نکته بیست و سوم
۹۹	نکته بیست و چهارم
۹۹	نکته بیست و پنجم
۹۹	نکته بیست و ششم

۱۰۰.....	نکته بیست و هفتم.....
۱۰۰.....	نکته بیست و هشتم.....
۱۰۱.....	نکته بیست و نهم.....
۱۱۱.....	نکته سی ام.....
۱۱۲.....	بخش چهارم.....
۱۱۲.....	درگذشت سید.....
۱۱۴.....	مزار باغ بهشت.....
۱۱۴.....	مجلس ختم در قم.....
۱۱۵.....	نوشته لوح مزار مرحوم سید.....
۱۱۵.....	منابع.....

فصل چهارم

۱۱۸.....	اساتید مرحوم آیت الله باقری.....
۱۱۸.....	سخن آیت الله آقا سید حسن موسوی بجنوردی.....
۱۱۹.....	نکاتی درباره اساتید و مرتبه علمی.....
۱۱۹.....	نکته اول.....
۱۱۹.....	نکته دوم.....
۱۱۹.....	نکته سوم.....
۱۲۰.....	شرح کوتاه از نام و نشان اساتید.....
۱۲۰.....	آقا شیخ عبدالله کلانی.....
۱۲۱.....	آقا شیخ مهدی ورفامی.....
۱۲۲.....	آقا شیخ محمد علی ربانی.....
۱۲۲.....	آقا شیخ محمد کوهستانی.....
۱۲۳.....	آقا شیخ حسن طبرسی.....
۱۲۴.....	آقا شیخ عبدالجبار فقیهی کلانی.....
۱۲۴.....	آقا سید ابراهیم حسینی اصطهباناتی شیرازی.....
۱۲۵.....	آقا سید ابوالقاسم موسوی خوئی.....
۱۲۵.....	آقا سید محمود شاهرودی.....
۱۲۶.....	آقا میرزا حسن موسوی بجنوردی.....
۱۲۷.....	آقا سید محسن حکیم.....
۱۲۷.....	آقا میرزا هاشم آملی.....
۱۲۹.....	آقا سید محمد حسین حمامی.....
۱۲۹.....	آقا سید محسن نبوی.....

۱۳۰.....	میرزا محمد باقر زنجانی.....
۱۳۰.....	مأخذ.....

فصل پنجم

۱۳۲.....	اجازات مرحوم آیت الله آقا سید خلیل محمدی بادابرسری.....
۱۳۲.....	اجازات اجتهاد و روایت حدیث.....
۱۳۴.....	اجتهاد.....
۱۳۴.....	مشایخ روایت حدیث و اجتهاد.....
۱۳۶.....	اجازات اجتهاد.....
۱۳۸.....	سایر اجازات.....
۱۴۱.....	بنای حوزه علمیه محمدیه.....
۱۴۳.....	رونق علم در هزار جریب.....
۱۴۳.....	مدرسه علمیه محمدیه بادابرسری.....
۱۴۴.....	نظر مراجع درباره مدرسه بادابرسری.....
۱۴۵.....	صلح نامه زمین مدرسه بادابرسری.....
۱۴۵.....	مدرسه ملا صفر علی.....
۱۴۷.....	شاگردان آیت الله محمدی.....
۱۴۸.....	اشعار آقا سید.....
۱۵۰.....	چاووشی.....
۱۵۱.....	شعر در مدح مولانا امیر المؤمنین علیه السلام.....

فصل ششم

۱۵۴.....	سایر علمای بادابرسری.....
۱۵۴.....	آقا سید حسین حسینی بادابرسری.....
۱۵۵.....	آقا میر اسماعیل حسینی بادابرسری.....
۱۵۵.....	آقا سید فضل الله حسینی بادابرسری.....
۱۵۶.....	آقا میر نعیم حسینی بادابرسری.....
۱۵۶.....	اجازه حسیه مراجع شیعه به مرحوم آقا میر نعیم حسینی.....
۱۵۶.....	آقا سید جواد واعظ موسوی.....
۱۵۷.....	اجازه مرحوم آیت الله خوئی.....
۱۵۷.....	اجازه مرحوم آیت الله شاهرودی.....
۱۵۸.....	آقا سید جواد حسینی اصل سه کله بی.....
۱۵۹.....	مرحوم میر یدالله فهیم علوی بادابرسری.....
۱۶۰.....	شهدای بادابرسری.....

۱۶۱.....	شهید سید نعمت الله حسینی اصل کبارہ.....
۱۶۱.....	شهید سید شہاب الدین حسینی بادا پسری.....
۱۶۱.....	شهید سید حسن حسینی.....
۱۶۲.....	شهید سید طاہر آقا جانی.....
۱۶۲.....	شهید سید علی برمہ.....
۱۶۲.....	شهید سید زین العابدین یعقوبی.....
۱۶۲.....	شهید حسن فخرالدین.....
۱۶۲.....	شهید میر صولت مہدی زادہ.....
۱۶۲.....	شهید سید رضا حسینی.....
۱۶۳.....	شهید سید ابراہیم خاں.....
۱۶۶.....	منابع و مأخذ.....

فصل ہفتم

۱۶۹.....	مستندات.....
۱۷۰.....	اجازات.....
۱۸۱.....	نامہ ہا.....
۱۹۲.....	تصاویر.....

به قول ابوالفضل بیهقی صاحب تاریخ بیهقی:

«...و محال باشد چیزی نبشتن که به ناراست ماند؛... ما را

بباید رفت که روز عمر به شبانگاه آمده است... و من این دانم که نبشتم

و برین گواهی دهم در قیامت.»

مقدمه

بر این باور داریم که هر کدام از ما همان کس به دنیا می آییم که باید در زندگی خود باشیم زیرا خدا در سایهٔ مهربانیها سرنوشت انسان را تعیین می کند و با انگشت توانای خود آنچه را که باید بنویسد بر پیشانی آنها می نویسد، و این سهم همهٔ هر آدمی نیست. در میان آدمیان بعضی راهنمای روحانی خلق می گردند. از این مردان خدا، میان خودمان کمتر می یابیم، آنهایی که برای رهبری بشریت ساخته شده اند، شایانی ناپیدا بر پیشانی و در انتظار ندارند که میان آنها و دیگران فرق بگذارد.

اگر بخواهیم این رهبران بشر را بشناسیم به از یکصد و اند هزار نقطهٔ نبوت و چهارده ستارهٔ عصمت، -صلوات الله علیهم اجمعین- یک دستهٔ مبای، عالمان عامل هستند. و آنها کسانی هستند که گاه پر و بال بسوی بالا می گشایند و گاه زرد می آیند. آنها که همیشه کلامی آسمانی بر دهانشان جای دارد. روحشان اسیر طوفان های دنیا نمی گردد، و بدرستی جان وجودشان خانه خداوند است. آنها که نور از دیدگانشان بدرون میتابد و از پیشانی های شان بر می آید. آنها که سراسر هستی را به چشم دل احساس می کنند و با دیدارشان دل انسانها از فروغی آسمانی فروزان می شود. آنها مصداق «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ» (کنز العمال ج ۲۸۶۷۷) هستند. آنها می دانند که اندیشهٔ پنهان شامگاهان دربارهٔ رهسپاران دیار خاک نشینان چیست. خبر دارند شوش گشایم، باد سحری، آفتاب روشنی بخش، برگ درختان و... چه زمزمه می کنند. و می فهمند که در فصل نشاط بهار گلهای نوشکفتهٔ سرخ چه رازها داشته و چه تصویری از حیات پس از مرگ دارند.

حال ببینیم این عالمان با چه چشمی به دنیا نظر می کنند، چطور با تأمل در اندیشه فرو می روند و چه سان در دل ظلمت و تاریک شب، تماشاگر رازهای پنهانند. آنها بیشتر عمر، قیافه مبهوت و اندیشناک دارند. آنچه را عمل کردند، بزرگ و عالی است و اینها بدرستی قهرمانان تاریخ هدایت و معرفت بشرند؛ و مظهر مجسم آن حقیقت مقدس اند.

در شب مرگ و زندگی صدای بال آنها، تنگی قفس را به بی نهایت عروج راه می برد. دیدارشان امید می بخشند و مصداق کریمه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» اند. زیرا اینها هم نور و هم غذای روح اند. اصحاب «سقیهم ربهم شرباً طهوراً» می باشند. اینها هستند که دلهای مرده را با ریزه های خوان نعمت ابدیت سیر می کنند. برای بسیار آسمان خاموش و زمین پر از سکوت برای بسیاری حجاب و مرگ است و از ورای آن چیزی به چشم نمی رسد. زیرا دنیای مجهولات خاموش است، اما آنها می دانند که واقعاً این سرایرده آسمان و زمین همه اش مکتب فهم و درس است. عالمان عامل اهل معرفت، با این زمزمه ها و معماها حرف می زنند و گفتگو می کنند. و به قدر همت خود به سوی سرایرده اسرار بالا می روند.

اینها چون سائ پهناور کوهها، قرنهایست نوع بشر را از غرق شدن در دنیای نفس به جلو می رانند و از حریم نوح در می کشند. چون کم ظاهرند، قدمشان روی زمین و فضای بی پایان عالم، محدود است.

ای خلائق مسلمان بدانید، ای کسانی که در راه امیدهای بزرگ و هدفهای بزرگ وصال رهنمود، اینها تنها رهبران واقعی دینی هستند. آنانی که با اینها بودند چنان چون کسی که سوار آسمان پیما هستند، نادیدنی ها را می بینند، اینها مبشرین حقیقت اند. وقتی از بلندی به کنار مردم می آیند، گمنام و عادی می نشینند. آنانی که پائین نشین هم شدند، فروغ تابناک سپیده دم بر چهره شان پیدا است.

چقدر شکوهمند اند این واصلان به حق، که به جلالت و صفات نازیب باطنی، راز پنهان عالم وجود را به قدر وسع دریافتند و همچون ذره های آفتاب، راه های نوره تاریک را روشنی بخشیدند.

بشنو این پند را:

همه چیز این جهان، همه جانداران، همه کوهها، همه جنگلها همه در راهی که آسمان را زرین می کند و آبهای که خاکروبه ها را می شویند، همه هنوز همچون درختی در نخستین روز آفرینش، صفا و معصومیت خود را حفظ کرده اند، حیف است انسان آن خود را حفظ نکند. درخت پر برگ و گل باید می شد نه ساقه ای خشکیده که با بادی از ریشه بر آمده و دستان فساد، برگها و میوه هایش را فرو ریزند و بر شاخه هایش میوه آسمانی نروید. چه سقوط سختی، انسانی که می داند پیرامون او همه آفرینش به تفکر مشغول است، جاهل بماند و حتی جهل خود را انکار کند.

ملکوتی که در صفای باطن کودکی همه آدمها به امانت گذاشته شده بود، بنا به فرمایش حضرت عیسی «علیه السلام» آن کسانی می توانند وارد ملکوت شوند که دلی به پیرایگی دل کودک دارند.

اینها مواظبتند چون پیامبران، انسان سقوط نکند و از ملکوت بی پیرایه کودکی در چاه مفاک جهل فرو نیفتند. وبا مقام اشرف مخلوقات، ادنای مخلوقات نشوند.

جهل و حُبّ جاه رذیلتی که مادر همه رذایل اند، سایه سیاه این دو، خود را در گستره نفس ظلوم و جهول آدمی می کشند و آنها را در کام ظلمت فرو می برند، عالمان ربّانی با پارسایی و احتیاط ورزی دواپی می خوراندند که چون شربتی حلال و شفا بخش است و جامه ای می پوشانند تا در چشم خلق بزرگ نیاید و اگر بشود از چشم خلق بیفتند.

هر روز فکر می کنند که پایان عمرشان فرا رسیده و همیشه متفکّرند که به کسی ملامتی نکرده باشند. هنگامی که در کوچه و بازار راه می روند از همه سو بدو سلام می گویند و او به مهربانی پاسخ می دهد و همیشه مشغول نیایش بدرگاه پروردگار هستند.

بعضی از این واصلان حجت از درون گورهای به ظاهر خاموش خویش در پروازند و همچون پرندگان که شاخه در تنان ریز پا گرفته و بال می گشایند. آهنگشان فروتنی و مهر ورزی و قدمهای آنها آهسته است و در هر قدمش کمتر کسی می رسد.

اما اینها چقدر غریب اند. همین که در سپار دیار آخرت شدند مردم بی فایده به جستجو بر می خیزند. در زمین سراغ جسم گمشده و در آسمان سراغ روح فرشته گون از دست رفته شان را می گیرند، و هیچ نمی یابند.

به قول سعدی «علیه الرحمه» که گفت:

از صد یکی بجای نیاورده شرط علم
وز خب جاه در طلب علم دیگری
هر علم را که از نبندی چه فایده
چشم از برای آن بود که آخر بنگری
عمری که می رود به همه حال جهد کن
تا در رضای خالق بی چون به سربری

* * *

در میان فضلاء و دانشمندان هزار جریب در قرن اخیر مرحوم آیت الله آقا سید خلیل محمدی بادابرسری «قدس سره الشریف» فقیه برجسته و شاگرد بزرگان علمای شیعه، جلوه و درخشندگی کمی ندارد، زیرا علاوه بر مقام شامخ فقهی، چندین سال استاد مدارس علمیه نجف اشرف، قم، بهشهر و بنیانگذار مدرسه علمیه محمدیه بادابرسر بوده است. علاوه بر آن سالهای متمادی رهبر دینی و

فتاویٰ شیعیان این بلاد را پذیرفت. در خردسالی خاطرم هست که سیمای ایشان را که با جماعتی از علما بود، در منزل مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد گواهی «رضوان الله علیه» در آبادی کوا دیدم، هنوز آن چهره ملکوتی از یادم نرفت.

خطوط زندگی سید، مبهم و ناخوانا نیست، و کسان بسیاری درباره اش مختصر سخن گفته و نوشته اند. نگارنده سالها در این اندیشه بودم تا شرح حال کاملی از او بدست بیاورم تا اینکه در سال ۱۳۹۶ «ش» در نخستین کنگره ملی تاریخ و فرهنگ هزارجریب مازندران توسط دانشگاه پیام نور مازندران برگزار شد که در آن، مقاله ای از نگارنده با موضوع زندگینامه و شرحی بر اجازات ایشان، در مجموعه مقالات کنگره به چاپ رسید.

آقا سید حسن موسوی بجنوردی «رحمت الله علیه» مرجع نامدار قرن معاصر، مرحوم سید را افتخار حوزه علمیه نجف اشرف می داند و می گوید: «حضرت مستطاب عالی شخصی هستید که حوزه علمیه نجف بوجود مبارک شما افتخار می کند و باید دیگران بشما در دیانت و تحصیل اقتدا کنند...» مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی «رضوان الله تعالی علیه»، که از بزرگان علمی شیعه بود، نظر خود را درباره ایشان اینگونه «...حالات شما در تحصیل و تقوی و مکارم اخلاق اعلاست...» بیان داشت.

در جمع معاصرین، اگر بگوییم مرحوم آقا سید محمدی یکی از اوتاد به شمار می رفت ناصحیح نگفته ایم. اگر کسی به حالات روحانی وی آشنائی داشت، میدانست که وی عالمی عارف و ربّانی بود. کمتر دل از یاد و لب از ذکر خدا فارغ داشت و بیشتر با خدای خود در راز و نیاز بود. در محافل و مجالس وقتی شروع به صحبت و بحث می نمود، آسانی شنوندگان را شیفتگان خود می کرد. خطّ شان بسیار زیبا و ادبیات گفتارش نیکو بود که نوشته های بسیاری در کتابخانه اش موجود است.

صیت شهرت مرحوم سید فقید، و علاقه کاملی که بسیاری از مردم «هزارجریب خصوصاً علما و طلاب علوم دینی به آن مرحوم داشتند، بویژه صراحت لهجه و شجاعت او در بیان حقایق باعث گردید، علاقمندان بسیاری به دیدارش برسند به طوری که کمتر روز و شبی بود که اسب سواری وارد آبادی بادابسر برای دیدار ایشان آمد و شد نکنند.

اینها اندک سخنانی بود اشاره وار درباره این شخصیت والا از نظر دیگران؛ اما آنچه که باید ما بدان بپردازیم، ابعاد کامل و خصوصیات بسیار ظریف است که سید در خالص سازی آن کوشید و ما را در این باره سخنانی است که در پی می آید.

سید در تکالیف سیاسی و اجتماعی به موقع و با شور و اعتقاد اقدام می کرد، و در مبارزات و درگیری ها، بی هیچ پروا پا به میدان می نهاد.

در آخر باید اعتراف کنم که من خواستم فقط دینی ادا کنم یا صرفاً یک تحقیق صوری درباره یک شخصیت بزرگ ارضاء نمایم و یا حتی در صدد احیاء ارزشهای انسانی اهل معرفت برآیم، بلکه غرضم از تحقیق بیشتر تذکر به خودم بود. می خواستم خود را با بوی سیادت او تسلی دهم. به قولی:

میل جمله خلق عالم تا ابد
گرشناسندت و گنه سوی تست
جز ترا چوین دست نتوان داشتن
دوستی دیگران بسوی تست.

ما در این کتاب در هفت فصل و سوان اصل گفتگو می کنیم. فصل اول بعد از مقدمه به موضوع هزارجریب، سادات هزارجریب و مازندران و ادا سر پرداختیم. در فصل دوم به امامزاده عبدالله و اسناد آن اشاره کردیم و فصل سوم را زندگینامه مرحوم سید فقید آورده ایم. فصل چهارم نگاهی به زندگی اساتید مرحوم سید و اجازات علمی به همراه متن اجازات آورده شد. و در فصل پنجم به بنای حوزه علمیه محمدیه و درگذشت مرحوم سید مطالبی گفته شد. در فصل ششم به شرح حال علما و شهدای بادابسر اشاره شد و در فصل آخر تصاویر درج گردید.

امیدواریم آنچه کرده ایم همان مقصودی را برآورده کند که گذشتان سعی داشتند با نوشتن شرح حال مشایخ و اولیاء برآورده کنند. در این روزگار غفلت خیز اگر این تیر حتی در یک مورد به هدف بنشیند و عبارتی یا اشارتی از این کتاب، بر روح و دلی، نفس تازه دمد و روح غربت رده ای را به یاد عشق ازل و عهد الست بیاندازد، مراد من حاصل است و آنگاه مرا از این همه خطا و اشتباه که نادانسته در حین نگارش مرتکب شده ام باکی نخواهد بود. **اللَّهُمَّ احْشُرْهُ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اخْلُفْ عَلَى عَقْبِهِ فِي الْغَابِرِينَ، وَ اَيِّدْ وَ سَدِّدْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ مِنْ سَمَاحَتِهِ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ.**

مُحِبِّي الدِّينِ قِرْبَانِي كَوْنِي

مازندران، بهشهر، روز ۲۸ صفر، ۱۴۳۷، آبان ماه ۱۳۹۷ ه. ش. «سالروز رحلت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و شهادت آقا علی بن موسی الرضا «علیه السلام». ۰۹۱۱۳۵۶۷۴۰۸۰